



په اروپا کې دمېشته افغانانو د ټولنو فدراسيون  
فدراسيون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

### Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

هالنډ، ۳ جنوري ۲۰۱۱

## افغانستان در سال ۲۰۱۰

افغانستان سال ۲۰۱۰ را در حالی به عقب گذاشت که موقعیت این کشور از لحاظ سیاسی، اقتصادی، امنیتی، حکومتداری و حقوق بشری تغییراتی را تجربه نموده ولی متأسفانه نمیتوان از بهبود اوضاع صحبت نمود. باید اضافه نمود که این حالت با درنظرآشت ترکیب حکومت کزری و برخی عملکردهای حامیان خارجی اش، غیرمنتظره هم نبود. بگذار تحولات مذکور را در چند پراگراف جداگانه جمعبندی کنیم:

موافقتنامه لژبن با تدوین جدول زمانی خروج نیروهای خارجی از افغانستان، یکی از تحولات مهم سال ۲۰۱۰ را تشکیل میدهد. خروج قوای خارجی که اصولاً آرزوی هرافغان را تشکیل میدهد، اکنون با نگرانیهای جدی همراه است. چه نیروهای امنیتی افغانستان از لحاظ کمی، مسلکی و تسلیحاتی هنوز ضعیف بوده رهبری آن عمدتاً بدست جنرال های تنظیمی، پرچمی و خلقی میباشد که مسوولیت جنایات دوران حزب دموکراتیک خلق و جنگهای داخلی سالهای نود را به عهده دارند. از جانب دیگر طالبان، احتمالاً بنا به تبحر فکری و وابستگی شان به پاکستان، تا اکنون قادر به گذار از یک نیروی چریکی بیک نیروی سیاسی که بتواند به چوکات زمانی خروج عساکر خارجی برخورد مسوولانه نموده، زمینه ساز حل سیاسی اوضاع از طریق مذاکرات و جلوگیری از یک جنگ داخلی دیگر گردد، نشده است. خواست حکومت افغانستان برای صلح با طالبان هنوز هم محدود به کمپاین تبلیغاتی است. آنچه "مذاکره با برخی از رهبران طالبان" نامیده میشود، چیزی بیشتر از شوخی تاریخی انگیسیها و شاگردان دست آموزشان در ISI با حکومت کزری نبود. تشکیل "کمیسیون صلح" بنا به ترکیب و رهبری ناسالم خویش صرفاً مصرف تبلیغاتی دارد. طالبان طی بیانیه ای، این کمیسیون را مجمعی از مسوولین جنایات گذشته خوانده و حاضرنگردیده آقای ربانی و شرکا را بحیث طرف مذاکره بپذیرد. علاوه بن بست سیاسی که انتخابات قلابی اخیر برای رژیم بیار آورده، صلاحیت حکومت و پارلمان مولود فساد را برای مذاکره و تصمیمگیری در امر خطیر صلح، حتی در انظار دول غربی مورد سوال قرار داده است. با درک این موضوع کزری خواستار همکاری حکومت پاکستان برای آغاز مذاکرات صلح شد. بعید بنظر میرسد که سفر رهبری کمیسیون صلح به پاکستان ثمری داشته باشد. چه موضع اصلی پاکستان را جنرال حمیدگل قبلاً به وضاحت چنین بیان نمود: "امریکا باید با طالبان مذاکره کند."

در سیاست خارجی حکومت از اصل "گسترش روابط دوستانه با همه کشورهای همسایه" پیروی میکند. این امر بذات خود یک پالیسی مثبت است. مشروط بر اینکه این روابط بر احترام متقابل به حاکمیت ملی و حفظ وقار هر دولت استوار باشد. افتضاح "خریطة پول ایرانی" برملا ساخت که روابط رژیم کابل با جمهوری آخوندی ایران تدریجاً به حالت وابستگی مضحک دوران ربانی بر میگردد. این نوع روابط بیک هیولای منطقوی کمک میکند تا کشور ما را بکام خویش فرو برد. با بالا گرفتن بی اعتمادی میان کزری و حکومت امریکا، تمایل رژیم کابل برای اتکای همه جانبه بالای ایران شدت مییابد. افرادی چون فهیم، ربانی و خلیلی که در دستبوسی رژیم آخوندی تجربه زیاد دارند، در تشدید این تمایل نقش زیادی ایفا میکنند. سفرهای اخیر این چهره ها به ایران، با در نظرآداشت خصلت ذاتی حکام ایران، زمینه ساز عملی شدن دسایس بیشتر رژیم آخوندی علیه مردم افغانستان است.

مبارزه قاطع با فساد اداری میتواندست وجهه حکومت را در نظر مردم افغانستان و جهان تاحدودی بهبود بخشد. کمیسیون مبارزه با فساد اداری، شعبات لوی خرنوالی و محاکم که تحت فشار غرب برای بهبود وضع حکومتداری و مبارزه با فساد لجام گسیخته اداری ایجاد شده اند، در سال پار نیز قادر به برداشتن یک گام قابل ملاحظه در انجام این وظیفه نشدند. بعد از سفر لوی خرنوال امریکا به افغانستان یک واحد FBI گونه غرض تعقیب مجرمین قدرتمند

دیانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

يادښت: د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

تشکیل گردید ولی بعد از بلاک شدن دوسیه ضیا عظیمی توسط کرزی از ادامه کار این نهاد خبری نیست. ناکامی این کوششها امر طبیعی است. چه آنانیکه باید به پنجه قانون سپرده شوند، در مقامات عالیرتبه دولتی اجرای وظیفه میکنند و یا متعلق به اشرافیت کنونی بوده در حفظ قدرت رئیس جمهور نقش دارند. کرزی حاضر است بخاطر نجات آنها از پنجه قانون آبروی خویش را در مقابل زیردستان و دوستان خارجی خود بریزاند و از ایجاد قانونیت در کشور جلوگیری کند. تلفون نمودن کرزی به دوی برای نجات ضیا مسعود از چنگ پولیس دوی حین انتقال دزدانه ۵۲ میلیون دالر که در زمان معاونیت اول ریاست جمهوری خویش از جیب ملت دزدیده بود، مثالی از سطح بالای مفسدین حکومتی و معافیت آنها از مجازات میباشد. ناپدید شدن ادویه کمکی امریکا به کارمندان اردو و پولیس افغانستان تازه ترین مثال فساد حاد و علاج ناپذیر اشرافیتی ست که رژیم کنونی برشالوده آن تشکیل شده است. ناکامی در بهبود وضع حکومتداری، چاپ منشور منفور عفو در جریده رسمی و صعود روز افزون فساد طی سال ۲۰۱۰، باعث بی اعتمادی هرچه بیشتر مردم به حکومت شده است. این وضع و ناکامی حکومت و جامعه بین المللی در فراهم ساختن زمینه کار برای مردم، به ISI و عمال اش زمینه گسترش نفوذشان را در شمال و غرب کشور مساعد ساخت. بدین ترتیب، در سال ۲۰۱۰ میدان جنگ در شمال و شرق افغانستان وسعت یافت.

بیش از ۱۲ میلیون افغان در زیر خط فقر زندگی میکنند. بنا به ارقام ملل متحد ۷ میلیون افغان نیازمند کمک عاجل غذا و مواد سوخت میباشد. قیمت بلند برق وارداتی از صنایع کوچک و جوان افغانستان قدرت رقابت با کالای وارداتی را سلب میکند. صرف در اخیر دسمبر ۲۰۱۰ بیش از ۴۵۰ فابریک کوچک به همین علت کار تولیدی خویش را متوقف ساختند. این روند بر فیصدی بیکاران که بر مبنای ارقام دولتی ۶۰ فیصد میباشد، می افزاید. رسیدن کابل بانک به آستانه سقوط، از ضعیف بودن اساس سیستم بانکداری و ضربه پذیری آنها بنا به بافت که آنها با مافیای درون دولت دارند، پرده برداشت. این حالت به اعتماد مردم بالای پدیده بانک که جزء مهم اقتصاد معاصر میباشد، صدمه زد. اگر تولیدات زراعتی داخلی را کنار بگذاریم، اقتصاد کشور ما کماکان بر مصرف پول توسط دول خارجی درگیر و عواید ناشی از تولید مواد مخدره استوار است. بعبارة دیگر اقتصاد ما شدیداً مریض است. این وضع حاکی از بی کفایتی حکومت و برخورد غیر مسوولانه کشورهای بزرگ درگیر در قضیه افغانستان با اقتصاد کشور ما میباشد.

وسیع شدن میدان جنگ و کاربرد شیوه های جنگی غیرقانونی و غیرمسوولانه توسط طرفین درگیر، از دیداد تلفات ملکی را بیار آورد. ارقام موسسه ملل متحد از ائتلاف ۲۳۰۰ فرد ملکی طی این سال سخن میگوید. ممیزه سال ۲۰۱۰ درین رابطه بلند رفتن رقم تلفات ملکی ناشی از فعالیت نظامی طالبان در مقایسه با تلفات ناشی از عملیات ناتومیباشد. حملات انتحاری در جاهای مزدحم و ماینگذاری کنار جاده های مورد استفاده مردم ملکی توسط طالبان از یکسو و بمباران مناطق مسکونی توسط قوای خارجی و حکومت، از جانب دیگر در تضاد با قوانین بین المللی بشردوستانه قرار داشته مستوجب مجازات میباشد. سال ۲۰۱۰ ضمناً شاهد خشونت بیشتر علیه کودکان و زنان بود. سروی انجام شده در بین ۴۷۰۰ زن توسط Global Rights نشان میدهد که ۶۲ فیصد زنان چند نوع خشونت را طی سال گذشته متحمل شده اند. سوء استفاده جنسی، کار اجباری، عدم دسترسی ۵۰ فیصد اطفال به حق تعلیم و تهدید و تخویف ژورنالیستها در سال ۲۰۱۰ نیز ادامه داشت.

بر مبنای آنچه در بالا از آن سخن رفت، مردم افغانستان سال ۲۰۱۰ را بیشتر با یأس و نارضایتی ترک گفتند. امیدیکه با سقوط امارت طالبان ایجاد گردیده بود، اکنون رنگباخته تر از سالهای گذشته است. خاطرات تلخ دوران امارت طالبان، بازگشت احتمالی این گروه بقدرت را به کابوسی برای آن هموطنانی مبدل کرده است که میخواهند به شیوه مدنی زندگی کنند. بیجهت نیست که موج مهاجرتها از داخل افغانستان یکبار دیگر بشدت آغاز شده است. اکنون که دروازه ها در غرب، بر عکس دو دهه اخیر قرن بیستم بروی افغانها باز نمیشد، خطرات و رنج و آلام هجرت از بسا جوانان و خانواده های افغان حیات و سلامتی شان را غضب میکند. فقط صلح آبرومندانه که متضمن عدالت و آزادی برای مردم باشد و ایجاد زمینه کار در سطح وسیع، میتواند این موج جدید مهاجرتها را متوقف کند و از فرار مغزها و نیروی کار ما بخارج جلوگیری کند. به امیدآروز!

کمیته حقوق بشر فارو

FAROE Post Box ۷۰۷, ۲۳۰۰ AS Leiden,  
[faroe\\_af@hotmail.com](mailto:faroe_af@hotmail.com)  
[www.afghandiaspora.org](http://www.afghandiaspora.org)

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درېت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
باندنې: دلیکنې د لیکنېزې بنې پاوالې د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ